



## تاریخچه نظریه روان درمانی (توحید درمانی) Integration Therapy

پدیدآورده (ها) : موسوی، سید محمد؛ کاشانی، حسین  
علوم تربیتی :: اصلاح و تربیت :: آبان 1391 - شماره 126  
از 3 تا 8

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/971371>

دانلود شده توسط : حدیث پژوه  
تاریخ دانلود : 25/12/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



تاریخچه نظریه روان درمانی

## (توحید درمانی)

## Integration Therapy

نویسندگان:  
سید محمد موسوی  
حسین کاشانی / روانشناس

مقدمه

روانشناسی تحت عنوان «علم النفس» یا «اخلاق» بیش از هزار سال به عنوان یکی از شاخه های اصلی فلسفه در مراکز علمی ایران تدریس شده است از رازی به ابن سینا، ناصر خسرو تا ملاصدرا کمتر متفکرانی را سراغ داریم که در آثار خود به این علم نپرداخته باشند.

در آثار این دانشمندان نه تنها مباحث اصلی روانشناسی مانند احساس، ادراک، عاطفه، تخیل و توانایی های ذهنی مورد بحث قرار گرفته بلکه حتی با روش های تمثیلی و شبه تجربی در مورد نظریه های معارض در زمینه های احساس و ادراک یا لذت و الم داوری شده است.

از اوایل قرن نوزدهم میلادی که روانشناسی به عنوان علم مستقل از فلسفه، مکاتب و نظریه های گوناگون مطرح شده است اما باید گفت نظریه "وحدت درمانی" اولین نظریه روانشناسی است که توسط یک روانشناس مسلمان با رویکرد مبانی الهی ارائه شده است.

در زندان مشهد، طرح ابتکاری موفقیت آمیز، بازسازی شخصیت زندانیان بر مبنای I.T اجرا شد. مطالعات و ارزیابی دقیقی که با استفاده از پیش آزمون و پس آزمون انجام گرفت، تغییر و تحولات قابل توجهی را در زندانیان و کارکنان زندان، نشان داد.



## نظریه وحدت درمانی Integration Therapy

### تاریخچه و خاستگاه

این نظام درمانی منحصر به فرد بوده، که دست یابی به همان اهداف درمان های رشدی (growth) را در نظر داشته، به وسیله یک ایرانی پیرو ارزش های اسلامی به نگارش در آمده و نخست در محیط دانشگاهی (دانشگاه فردوسی مشهد) و سپس در محیط زندان بسط یافته است (کرسینی، ۲۰۰۱).

اولین تماس دکتر جلالی طهرانی با من، به دلیل خواندن نوشته هایم، در مورد زندان بود. معلوم شد که وی یک نظام روان درمانی منحصر بفرد ایجاد کرده است که باعث بهبود زندگی، زندانیان می شود و به اعتقاد من، نه تنها در زندان های سراسر جهان، بلکه برای همه مردم در هر کجای جهان و با هر دین و مسلکی ارزشمند است (کرسینی، ۲۰۰۱).

از زمانی که او (جلالی طهرانی) دکترای خود را در روانشناسی از انستیتو Saybrook آمریکا گرفت، در حال توسعه دادن درمان یکپارچه می باشد (مجله روانشناسی انسانگرا، ۱۹۹۷).

برسی این نظام درمانی، فایده مضاعفی دارد، چرا که تا حدودی فلسفه و نظریه اسلام و نیز نظریه و روش روان درمانی را تبیین می کند (کرسینی، ۲۰۰۱).

نظریه I.T، به منزله یک روش ارتقای رشد و تکامل انسانی، دارای تاریخچه مشترکی با همه روان شناسی های رشد (growth psychology) است.

ریشه های I.T تا اولین جست و جوی انسان به جهت درک خود و برای یافتن و ایجاد روشی در زندگی که منجر به بالا ترین رتبه رشد و شکوفایی گردد، امتداد دارد (کرسینی به نقل از شعاعی، ۱۳۸۳).

نظریه I.T یک تاریخچه ۲۵ ساله دارد. می توان گفت I.T ترکیب طبیعی برداشت اسلامی از سرشت و فطرت انسان و نظریه و روش درمان روانشناسی انسانگرا (humanistic) است.

با ارائه و ایجاد وحدت درمانی (I.T) برای اولین بار نظریه اسلام به عنوان یک نظریه روان شناختی جدید و یک شیوه روان درمانی شکل گرفته است (همان منبع).

### زمینه نظری

برجسته ترین نقطه آغاز روانشناسی دین در کارهای ویلیام جیمز (جیمز، ۱۹۰۲) یافت می شود. او از همدلی و یا به عبارت دیگر ((درون نگری پدیدار شناختی)) برای بررسی و شناخت پدیده های مذهبی استفاده کرد. (پری، ۱۹۳۵) (زینب دلپا، جلالی طهرانی) به نقل از شیری، (۱۳۸۳)

روان شناس پیش گام آمریکایی، استانلی هال (هال، ۱۹۰۴) به برسی نتیجه فیزیولوژیکی تجربه های دینی پرداخت. کو (کو، ۱۹۱۶) به دنبال کار کرد دین جهت ارتقاء بهزیستی اجتماعی بود. پارکر و سنت جانز (پارکر و سنت جانز، ۱۹۵۷) تأثیر دعا (Prayer therapy) را برای اختلالات نوروز (neurosis) و سایکوسوماتیک (Psychosomatic) مورد برسی قرار دادند. (همان منبع) به عقیده آدلر (۱۹۵۴)، در زمانی که رفع مشکل، تخفیف علائم مرضی، تغییر رفتار و یا ایجاد بصیرت در مراجع می نماید، اما او را به یک فلسفه خاص از زندگی مجهز نمی کند، درمان ناقصی است. (شفیع آبادی، ناصری، ۱۳۶۵).

وقتی که بانر (۱۹۶۱) نوشت: « بلوغ، ثبات و وحدت شخصیت، عمدتاً در تملک فردی با یک سری ارزشهای شخصی و اجتماعی نسبتاً هماهنگ است» ارتباط بین وحدت و ارزشها را به وضوح بیان کرد. (برآبادی، ۱۳۸۳) هنگامی که انسان دردمند و تنها، نا امید از کمک دیگران در کاهش آلام جسمانی و روانی است و درمان های کلاسیک کمکی به او نمی کنند، تنها راه نجات از اضطراب و افسردگی و دردهای جان کاه، یاری جستن از ایمان و باور دینی است. (کالا برس، به نقل از دادفر، ۱۳۸۳)

راسموسن (Rasmussen) و کراندال (Crandall) در ۱۹۷۵ و ونگ (Wong) در ۱۹۹۸، اهمیت بالای ارزش دینی را در معنی دار بودن زندگی نشان دادند. (مرعشی، ۱۳۸۳)

هیلز (Hales) در سال ۲۰۰۰ نتایج بررسی جدیدی را از ۱۳۹ تحقیق علمی ارائه کرد که نشان می دهد، اعتقادات و فعالیتهای دینی از قبیل دعا کردن، شرکت در مراسم مذهبی، برقراری ارتباط با خداوند بر سلامت و بهبود وضعیت روانی افراد، تأثیر مثبت می گذارد. (همان منبع) بررسی های انجام شده در فرهنگ ها و ادیان دیگر، غالباً تأثیرات مثبت دعا و عبادت را بر ویژگیهای چون



هنگامی که انسان دردمند و تنها، نا امید از کمک دیگران در کاهش آلام جسمانی و روانی است و درمان های کلاسیک کمکی به او نمی کنند، تنها راه نجات از اضطراب و افسردگی و دردهای جان کاه، یاری جستن از ایمان و باور دینی است

طهرانی، ۱۹۹۷) الپورت (۱۹۶۷) مفهوم جهت گیری مذهبی درونی (Intrinsic) یا اصیل را که انگیزه ای درونی و جامع می باشد و به عنوان هدف و نه وسیله به کار می رود، مطرح کرد. I.T بیان میکند که تنها جهت گیری مذهبی درونی که مبتنی بر عشق و پذیرش باطنی باشد نه فرصت طلبی، می تواند وحدت را به ارمغان آورد. (جلالی طهرانی ۱۹۹۷) عبادت در بهترین حالتش، یک روش زندگی و سیره فراگیری است که اخلاق، ارزشها، فضایل رفتاری و مناسکی را که شوق و احساسات درونی فرد را بروز می دهد، در بر می گیرد. عبادتی که تنها یک صورت ظاهر و عاری از معنا و تعهد است، هرگز عبادتی وحدت بخش نیست. چنین جهت گیری مذهبی که خالصانه و صادقانه پذیرفته نشده، در خدمت اهداف دیگری از قبیل کسب امنیت، موقعیت، منافع اجتماعی و مانند آن بوده و همان است که الپورت از آن به جهت گیری مذهبی بیرونی تعبیر می کند، موجب نفاق، ریاکاری، تبعیض و تعصب (مایرز، ۱۹۹۶) از خود بیگانگی و روان رنجوری (فروید، ۱۹۶۴) می گردد. (کریسینی به نقل از شعاعی، ۱۳۸۳)

در دین اسلام به مفهوم و فرایند توحید توجه ویژه شده است. دین اسلام مبتنی بر توحید و وحدت است، همچنان که خداوند خالق ذات واحد لایتجزی شناخته می شود. (طباطبائی، ۱۹۸۰ به نقل از جلالی طهرانی)

عالم خلق نیز یک نظام واحد هماهنگ است که هر جزء آن دارای یک وحدت درونی بوده و نقش مهمی در ایجاد هماهنگی با خود عالم خلقت دارد. شخصیت انسانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. (جلالی طهرانی، ۱۹۹۷)

و نفس و ماسویها فالهمها فجورها و تقویها، فدا فح من زکیها قدخاب من دسیها؛ سوگند به نفس و آن کس که آن را با چنان نظام کامل بیافرید و در اثر چنان نظامی شر و خیر آن را به او الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شده و هر که الوده اش ساخت، قطعاً زیانکار خواهد شد. (قرآن مجید، سوره ۹۱، آیات ۷-۱۰) این آیات شاید مختصر ترین بیان از روان شناسی اسلامی باشد. انسان دارای نفسی است که حاوی عناصر یا نظام هایی می باشد و اصالتاً در حالت طبیعی و سلامتی، در تعادل و تناسب با یکدیگر و دارای نظم است.

این نفس با الهام الهی از آنچه برای حفظ تعادل و تناسب لازم است، آگاه می باشد و نیز از طریق الهام، به آن چه برای او زیان بار و ویران گر است وقوف دارد، سعادت

میل به زندگی، کاهش افسردگی، اثر بخشی رواندرمانی و تقویت فرآیند درمانی تأیید کرده اند. (فینی و مالونی، ۱۹۸۵ کارلسون و همکاران، ۱۹۸۸، اشنایدر و کاستنیام، ۱۹۹۳، کولپ، ۱۹۶۹).

وقت آن رسیده است که دین مقام و موقعیت معرفت شناختی مناسب خود را به عنوان مأخذ و حجیت قابل قبول برای روح و روان آدمی باز یابد. (Bobgan و ۱۹۸۷ و زینب دلیا (جلالی طهرانی) به نقل از شیری، ۱۳۸۳).

### نظریه

توحید اساس شخصیت سالم است. از آغاز نظریات راجع به روانشناسی شخصیت، وحدت و مفاهیم مرتبط با آن در خود تعریف شخصیت وجود دارد. (Angyal, ۱۹۵۱ و Allport, ۱۹۸۴ و Levy, ۱۹۶۱)

داشتن یک درون مایه زندگی وحدت بخش، یعنی داشتن یک هدف اصلی و تعیین کننده ای که نشأت گرفته از ارزشها و به همه اهداف کوچکتر معنا بخشد، موجب تسهیل وحدت شخصیت می شود. (مینهایلی، ۱۹۹۰) (کریسینی به نقل از شعاعی، ۱۳۸۳).

درون مایه دینی یا معنوی زندگی، توانایی ارائه یک دیدگاه فراگیر و معنا بخشیدن به همه جنبه های زندگی فرد را دارد، توانایی ای که به تعبیر تیلیچ (Tillich) تعالی (Transcendence) نام دارد. (رادها کریشنان، ۱۹۵۴) (همان منبع)

درون مایه دینی یا معنوی زندگی ملهم از ارزشهای خاصی است که به صورت فضایل ایفای نقش می کند. از طریق تجسم بخشیدن به این فضایل شخص به هدف نزدیکتر می شود، به حقیقت و ذات این فضایل تقرب می جوید، حقیقتی که در ادیان مختلف با نامهای متفاوت و در دین اسلام با نام مقدس الله سبحانه و تعالی شناخته می شود. (همان منبع)

این هدف، همچون نیروی وحدت بخش و سازمان دهنده بر فرد اثر گذارده و با عشق و تجلی آن که همان عبادت است، به این نیرو پاسخ می دهد. (همان منبع)

دین میتواند ساختار یا روشی برای زندگی به دست دهد. نا معقول است که ادعا کنیم، پذیرش دین، به طور خود به خودی وحدت و یک پارچگی را به شخصیت فرد اعطاء می کند یا بگوییم تمام متدینین از سلامت روان برخوردارند و یا بر عکس، سلامت روان مختص به کسانی است که به تکالیف و وظایف دینی عمل می کنند. (جلالی

و فلاح انسان با حفظ این تعادل و وحدت حاصل می شود. (کرسینی، ۲۰۰۱)  
شیوه حفظ این تعادل، از طریق الهام به عاملی در نفس، بنام عقل است. انسان الهامات و وحی را که تجلی الهی بر قلب پیامبران (علیهم الصلوه و السلام) است، به وسیله قوه عقل درک و دریافت می کند. (کرسینی، ۲۰۰۱)  
پاسخ انسان و عکس العمل به این وحی و الهام، عشق و کشتی است که در رفتار های فضیلت آمیز تجلی می یابد. هر چه شخص رفتار های فضیلت آمیز بیشتری داشته باشد، به منبع فضیلت نزدیک تر شده و با منشاء وحدت و یگانگی، هماهنگی پیدا می کند. (همان منبع)

تبیین مابعدالطبیعی، معنوی و دینی از شخصیت انسان و از سلامت و عدم سلامت روان، با یک طرح روان درمانی ابتکاری مدرن، یعنی I.T مطابقت دارد. هدف I.T تقویت مقام و موقعیت عقل، حیات تازه بخشیدن به عشق و جذب به نسبت به سرچشمه وحدت و دست یافتن به توحید است. از میان برداشتن موانع این جذبه و برانگیختن آگاهی و تعهد و التزام به رفتار های فضیلت آمیز، اجزای اصلی طرح درمان است. (همان منبع)

### متدولوژی

نظریه I.T، روش درمانی خود را بر شش مؤلفه اصلی پایه گذاری می کند این مؤلفه ها عبارتند از:

- ۱- تیم درمان (Therapeutic team)
- ۲- مصاحبه پذیرش (Intake interview)
- ۳- آشنا سازی (Orientation)
- ۴- رابطه درمانی (Therapeutic relationship)
- ۵- پرداختن به محتوا (Dealing With Content)
- ۶- تداوم (Maintenance)

### ۱- تیم درمان

I.T با کل فرد مواجه می شود و به همه جنبه های کارکرد و علایق انسانی اهمیت می دهد. معمولاً گروه درمان در هر مرکز بالینی به کار گرفته می شود تا درمانی کامل فراهم گردد. گروه درمان متشکل است از یک مدیر بالینی درمان، درمانگران، مددکار اجتماعی، کارشناس تربیتی، کارشناس پزشکی و مشاوره همتا. (کرسینی، ۲۰۰۱)

### ۲- فرآیند پذیرش

مراجع از طریق واحد پذیرش که به گردآوری اطلاعات مانند سن، وضعیت تاهل و امثال آن، مبادرت می نماید، با I.T ارتباط برقرار می نماید. هرگونه مشکلات قبلی و فعلی بررسی و گزارش با توجه به شناخت مراجع از توانایی ها و نقاط مثبتش تهیه می شود. از آزمونهای روانشناختی اعم از فراقکن و یا خود گزارشی جهت توسعه و ارزیابی برنامه درمانی مراجع استفاده می گردد. تصمیم درمانی با توافق تیم درمان و مراجع اتخاذ می گردد. جهت انتخاب آگاهانه مراجع نسبت به درمان، مرحله ای تحت عنوان آشناسازی مراجع در نظر گرفته شده است. (کرسینی، ۲۰۰۱)

### ۳- آشنا سازی

قبل از ورود به درمان، هر کدام از مراجعین آشنایی کلی با نگرش و فرآیند درمان I.T پیدا می کنند. از دیدگاه I.T، درمان نوعی تعهد است و از لحاظ اخلاقی و فرآیند درمان، ضروری است که مراجع قبل از دادن تعهد، درک درستی پیش از فرض های بالینی و فلسفی درمان داشته باشند. آشنا سازی به طرق مختلف از قبیل ارائه بروشور، جلسات بحث، فیلم کوتاه ویدیوتی، انجام می شود. (کرسینی، ۲۰۰۱)

عبادت در بهترین حالتش، یک روش زندگی و سیره فراگیری است که اخلاق، ارزشها، فضایل رفتاری و مناسکی را که شوق و احساسات درونی فرد را بروز می دهد، در بر می گیرد. عبادتی که تنها یک صورت ظاهر و خاری از معنا و تعهد است، هرگز عبادتی وحدت بخش نیست. چنین جهت گیری مذهبی که خالصانه و صادقانه پذیرفته نشده، در خدمت اهداف دیگری از قبیل کسب اصابت، موقعیت، منافع اجتماعی و مانند آن بوده و همان است که آلبورت از آن به جهت گیری مذهبی بیرونی تعبیر می کند

#### ۴- رابطه درمانی

در نظریه I.T رابطه درمانی از اهمیت بسزایی برخوردار و بسیار مورد تاکید می باشد، زیرا به منزله مهمترین وسیله ایجاد تغییر شناخته شده است. رابطه درمانی حاوی دو جنبه می باشد.  
الف: نگرش درمانگر ب: رویکرد درمانگر

الف: نگرش درمانگر

دیدگاه های اسلامی و انسان گرایانه، که انسان را ذاتاً خوب، جائز الخطا و در مورد فعالیت به سوی تکامل و رشد مسئول می داند، همه در نگرش درمانگر منعکس شده اند. نگرش درمانگر I.T شامل سه مؤلفه باور، احترام و پذیرش است. (همان منبع)

ب: رویکرد درمانگر

برای درمانگر تنها داشتن نگرش های یاد شده کافی نخواهد بود، درمانگر بایستی این نگرش ها را در اثنای برخورد درمانی به مراجع ابراز نماید. رویکرد درمان شامل سه قسمت حضور درمانی Therapeutic presence همدلی Empathy و علاقه مندی عمیق شخصی Personal involvement است. حضور درمانی به این معنا است که درمانگر توجه کامل خود را به آنچه که در همان لحظه (اینجا و اکنون) در اطاق درمان اتفاق می افتد، معطوف داشته و توجهی به مسائل گذشته، آینده، حوادث خارجی و موارد دیگر ندارد. همدلی یعنی درک و شناخت حالات، تفکرات، احساسات و محتوی گزارشات مراجع و سپس انعکاس آنها به وسیله درمانگر. علاقه مندی عمیق شخصی، یعنی درمانگر با گفتار و رفتارش، باور خود را مبنی بر توانایی مراجع در ایجاد تغییر، به وی منتقل کند.

مراجع، به وسیله علاقه مندی عمیق شخصی که درمانگر نسبت به او دارد، باور، امید و پذیرش جدیدی نسبت به خود پیدا کرده و خود را شخصی می داند که می تواند یک زندگی مبتنی بر فضیلت و شرافت بنا کرده و به ارزش های درونی حقیقی خود، وفادار باشد. (همان منبع)

#### ۵- پرداختن به محتوا

درمان با توجه به محتوای جلسات سه عامل را در بر می گیرد:

- ۱- حل مشکل
- ۲- آشکار سازی عقل و فعال سازی فضیلت ها
- ۳- وحدت بخشی (یکپارچه سازی) معنا

۱- حل مشکل / مراجعی که برای درمان حضور پیدا می کنند در حال رنج بردن از فشار های روانی هستند. تجربه این فشار همراه با درد، اندوه و محنت بوده و تحت عنوان مشکل فعلی، مورد توجه درمانگر قرار می گیرد. این مشکل به عنوان محور ارتباط درمانی واقع می شود. (کرسینی به نقل از شعاعی، ۱۳۸۳) اولین وظیفه درمانگر این است که با مراجع احساس همدلی کند و برای یافتن راه حلی که این فشار را برطرف می نماید، تلاش نماید. (همان منبع)

۲- آشکار سازی عقل و فعال ساختن فضایل / هنگامی که مراجع بر اضطرابی ترین مشکل فائق آمد، فشار کاهش پیدا می کند، موانعی که در اثر وحشت زدگی، ترس، گناه و امثال آن، در راه وصول به جایگاه عقل پدید آمده، به تدریج بر طرف می شود. مراجع به هدایت درونی دست می یابد و از این رو قادر می شود، در برخورد با موقعیت های مختلف از عقل خود تبعیت کند. (همان منبع)

۳- وحدت بخشی معنا / در صورتی که فرد در موقعیت های مختلف زندگی با رفتار های فضیلت آمیزی که از مرکز اصلی عقل نشأت گرفته باشند، روبرو شود،

مراجع، به وسیله  
علاقه مندی عمیق  
شخصی که درمانگر  
نسبت به او دارد، باور،  
امید و پذیرش جدیدی  
نسبت به خود پیدا  
کرده و خود را شخصی  
می داند که می تواند  
یک زندگی مبتنی بر  
فضیلت و شرافت بنا  
کرده و به ارزش های  
درونی حقیقی خود،  
وفادار باشد.

زندگی برای وی سببای دیگری خواهد داشت. فردی که با موفقیت حل مشکلات زندگی را آموخته و به تدریج به مقام عقل باطنی اعتماد پیدا کرده و فضائل درونی را فعال ساخته است، گام بزرگی برداشته است.  
این درون مانده یک نظام ارزشی هدف داری است که به همه رفتار های فرد انسجام داده، معنا و یکپارچگی می بخشد.  
(همان منبع)

### ۶-تداوم

پس از ورود به مرحله معنا، کار اصلی مراجع در زندگی روزمره مراقبت مستمر و دائمی برای معنا بخشیدن و در جهت توحید حرکت کردن است. رشد یافتن در مسیر کمال، هرگز زندگی بدون مشکل را نوید نمی دهد.  
فرد در فرآیند رشد توان مواجهه با موقعیت هایی که زمانی ویران کننده بوده اند را به وسیله بردباری، ایمان و عقل پیدا می کند. (همان منبع)

### اصول گروه درمانی I.T

#### Principals of Integration (Group) Therapy

- ۱- بر طبق اصول I.T هر شخصی یک اعتماد درونی دارد که می تواند با این اعتماد درونی تماس برقرار نماید، اگر موانع این اعتماد برطرف شود.
- ۲- چندین مانع در رسیدن به این اعتماد وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:  
الف: تجربیات آسیب زای گذشته که در حال حاضر هم بر فرد اثر می گذارد.  
ب: عواطف و احساسات خیلی قوی یا وضعیت های عاطفی مثل: عصبانیت، گناه و مصیبت.  
پ: تفکرات کارآمد اختی (تفکرات غیر منطقی) یا دیدگاه نامناسب از واقعیت (دیگران بر علیه من هستند و غیره)  
ت: مشکلات ناشی از عمل های دردناک اجتماعی و روابط ناخوشایند اجتماعی با دوستان و خانواده.  
ث: مشکلات مربوط به اعتمادی یا نگرانی درباره مشکل اقتصادی خانواده.
- ۳- I.T بر روی ایجاد محیطی که فرد در آن بر مشکلات می تواند غلبه کند و بیشتر با اعتماد درونی خود رابطه برقرار کند، کار می کند.
- ۴- فرآیند رسیدن به این اعتماد درونی برای هر شخص منحصر به فرد است.
- ۵- به دلیل اینکه هر شخصی یک مسیر منحصر بفرد را دنبال می کند و به دلیل اینکه او در فهم چیزهایی ورای سطح رشد خود ناتوان است، بنابراین، تحلیل یا توضیح چیزها که فرد بدون توجه به اینکه چقدر این ارزشیابی ها یا توضیحات می تواند در زندگی او مضر باشد، همان بی استفاده و در اغلب موارد مضر است.

### برخی از قوانین گروه

#### (Some Roles of the Group)

- ۱- اعضا، قوانین گروه را باید با صبر و تحمل یاد بگیرند و در صورتی که کسی از آنها سرپیچی کند، باید با او برخورد مناسبی داشته باشند.
- ۲- پاسخ به سوالاتی که از طریق زیر باشد:  
الف: آیا این قوانین برای من مناسب است؟  
ب: چگونه می توانم این قوانین را یاد بگیرم؟  
پ: چگونه می توانم این قوانین را در زندگی خودم به کار ببرم؟
- ۳- اعضا باید در صورتی که از سوال کردن و درخواست کمک از رهبر گروه.
- ۴- تا حد امکان در این گروه بایستی در اینجا و اکنون (Here and now) باشند و از داستان سرایی اجتناب ورزند.
- ۵- محتوی مطالب این گروه نباید در خارج از گروه بیان شود.  
اعضا باید اجازه داشته باشند تا با کسی که کاری را انجام داده، ابراز نمایند.

### نقش درمانگر در نظریه I.T

#### (The Role of the Therapist)

الف: درمانگر باید به اجراء قوانین گروه را دارد. قوانینی که هم برای تسهیل فرآیند گروه و هم محافظت از اعضا گروه به وجود آمده است.  
ب: در کل، گروه با تداخل هر چه کمتر رهبر گروه یکدیگر را مخاطب قرار دهند.  
پ: رهبر می تواند در برخی شرایط مداخله نماید مثلاً زمانی که یکی از اعضا شدیداً سردرگم، خشمگین یا غمگین می شود.  
ت: بهترین راه جهت پیاده نمودن قوانین گروه، تبعیت رهبر از قوانین گروه است.

\*\*\*